

## گفتمان و الگوی قرآنی پیشرفت یا پیشرفت قرآنی

علی رضا صدرا<sup>۱</sup>

### چکیده

پدیده‌های مدنی و حوزه فهم پیشرفت نیز دارای سه مرتبه معرفتی هستی، چیستی و چگونگی هستند. به کمک این سه وجه، سایر ابعاد، قابل شناسایی است و حوزه آینده‌پژوهی از سازوکار نظام و عوارض که شامل طبیعت، کیفیت و زمان است، وارد مطالعات می‌شود.

در بحث از ماهیت، سه دیدگاه نقلی یا یقینی، ظنی و پنداری و ظاهری یا توهمی وجود دارد که هر یک، سه نوع پیشرفت را ایجاد می‌کند. در ادبیات دینی، این سه دیدگاه، حق‌الیقین، علم‌الیقین و عین‌الیقین است. هدایت، به معنای ایصال به مطلوب، همان امامت است که راهبرد راهبری را ارائه می‌دهد. برای رهبری راهبردی، سه شاخصه تربیتی (الگو)، تعلیمی (مرجعیت علمی) و تدبیری (سیاست‌گذاری) ضروری است.

پژوهش پیرامون موضوع پیشرفت در قرآن، یک روش ثبوتی یا تبیینی و یک روش اثباتی یا توجیهی دارد. تبیینی به این معنا که بینیم قرآن در مورد پیشرفت چه گفته است. در روش توجیهی، مستندسازی می‌شود به اینکه پیشرفت تعریف شود؛ سپس مستندات آن را در قرآن و روایات و حتی تفاسیر پیدا می‌کنیم. این روش نیز علمی است. از این رو با توجه به اینکه قرآن، نقشه کل نظام هستی است و زیرساخت راهبردی قرآن، در سوره حمد است، می‌توان گفت که در این سوره، هفت نقطه عطف وجود دارد که نقاط عطف و سیر تکامل تمدن‌سازی می‌تواند در آن مفروض باشد.

قرآن، یک شبکه است و سیر حیات به سمت تعالی را ترسیم می‌کند. آنچه برای مثال از فرازهای سوره حمد، به عنوان الگوی پیشرفت می‌توان آموخت، این است که رحمانیت، توسعه اقتصادی و کمی است. در رحیمیت، جوهر، ارتقای وجودی پیدا می‌کند. ولایت یعنی باید جامعه را پروراند تا خودش کارهایش را انجام دهد (ایاک نعبد و...) همچنین سه نوع راهبرد داریم که یک راهبرد آن صراط مستقیم است (اهدنا...).

**واژگان کلیدی:** پیشرفت، الگوی پیشرفت، سوره حمد، تمدن‌سازی، توسعه.

---

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه تهران.